



Research Paper

Analysis of the Role of Sports Diplomacy in Strengthening Soft Power

Mahdi Mohammadrahimi^١

Received: ٠٧/٠١/٢٠٢٢; Accepted: ٠٢/٠٥/٢٠٢٢

Abstract:

In recent decades, sports diplomacy has emerged as one of the most effective instruments of public diplomacy and soft power within the international system. Owing to its transnational, popular, and media-oriented nature, sport possesses a unique capacity to foster interaction among states and nations. It can play a significant role in enhancing countries' international image, reducing political tensions, and strengthening cultural cooperation. Adopting a descriptive–analytical approach and drawing upon domestic and international theoretical and research sources, this article examines the position and significance of sports diplomacy in international relations and the foreign policies of states.

The findings indicate that sports diplomacy is not merely a complementary tool to formal foreign policy; rather, due to the involvement of non-state actors, media, and public opinion, it has evolved into a multi-layered and network-based domain. The results further demonstrate that the strategic utilization of sports-related capacities can have a meaningful impact on strengthening soft power, advancing nation branding, and managing states' international interactions. The article concludes by emphasizing the necessity of formulating coherent and specialized policies in the field of sports diplomacy.

Keywords: Sports Diplomacy, Soft Power, Public Diplomacy, International Relations, Foreign Policy, Nation Branding.

^١ . PhD Candidate, Department of Physical Education and Sport Sciences, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran: rahimimehdi٩٤@gmail.com.



مقاله پژوهشی

تحلیل نقش دیپلماسی ورزشی در تقویت قدرت نرم و تعاملات بین‌المللی کشورها

مهدی محمدرحیمی^۱

دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۷؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۲

چکیده

دیپلماسی ورزشی در دهه‌های اخیر به یکی از مؤثرترین ابزارهای دیپلماسی عمومی و قدرت نرم در نظام بین‌الملل تبدیل شده است. ورزش به دلیل ماهیت فراملی، مردمی و رسانه‌ای خود، ظرفیت منحصر به فردی برای ایجاد تعامل میان دولت‌ها و ملت‌ها فراهم می‌کند و می‌تواند در بهبود تصویر بین‌المللی کشورها، کاهش تنش‌های سیاسی و تقویت همکاری‌های فرهنگی نقش‌آفرینی کند. این مقاله با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع نظری و پژوهشی داخلی و خارجی، به بررسی جایگاه دیپلماسی ورزشی در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی کشورها می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دیپلماسی ورزشی نه تنها ابزاری مکمل برای سیاست خارجی رسمی است، بلکه به واسطه حضور بازیگران غیردولتی، رسانه‌ها و افکار عمومی، به حوزه‌ای چندلایه و شبکه‌ای تبدیل شده است. همچنین نتایج حاکی از آن است که بهره‌گیری راهبردی از ظرفیت‌های ورزشی می‌تواند در تقویت قدرت نرم، برندسازی ملی و مدیریت تعاملات بین‌المللی کشورها تأثیر معناداری داشته باشد. در پایان، ضرورت تدوین سیاست‌های منسجم و تخصصی در حوزه دیپلماسی ورزشی مورد تأکید قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: دیپلماسی ورزشی، قدرت نرم، دیپلماسی عمومی، روابط بین‌الملل، سیاست خارجی، برندسازی ملی.

۱. دانشجوی دکترای گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران: rahimimehdi۹۴@gmail.com



ورزش از چند مسیر می‌تواند در عرصه بین‌الملل مؤثر واقع شود. نخست، از طریق نمایش هویت و فرهنگ ملی. پرچم، سرود ملی، لباس تیم‌ها، رفتار ورزشکاران و حتی سبک بازی، همه بخش‌هایی از تصویر رسمی کشور هستند که در برابر میلیون‌ها مخاطب جهانی بازنمایی می‌شود. این بازنمایی می‌تواند تصویر مثبت، قدرتمند و قابل‌اعتمادی از یک ملت ایجاد کن (فلاحی، ۱۴۰۱؛ Tomlinson, ۲۰۱۰). حتی کشورهایی که از نظر سیاسی کمتر شناخته شده‌اند، از طریق حضور در رویدادهای بین‌المللی می‌توانند هویت خود را معرفی کنند.

دومین مسیر، نقش ورزش در کاهش تنش‌هاست. تاریخ نشان داده که ورزش می‌تواند پنجره‌های جدیدی برای گفت‌وگو میان کشورهایی که دچار اختلافات سیاسی‌اند ایجاد کند. مشهورترین نمونه «دیپلماسی پینگ‌پنگ» میان چین و آمریکا در سال‌های ۱۹۷۱-۱۹۷۲ است که راه را برای سفر نیکسون به چین و آغاز روابط دیپلماتیک جدید باز کرد. در ایران نیز مسابقات ورزشی مشترک با کشورهای همسایه بارها زمینه‌ساز کاهش سوءتفاهم‌ها و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای بوده است (هاشمی، ۱۳۹۷).

سوم، نقش ورزش در تقویت قدرت نرم کشورهاست. قدرت نرم به توانایی تأثیرگذاری بدون اجبار اشاره دارد و یکی از مهم‌ترین ابزارهای آن جذابیت فرهنگی است. ورزش در مقایسه با سینما، موسیقی و ادبیات، مخاطب بسیار گسترده‌تری دارد و پیام آن، به دلیل جهانی بودن رقابت ورزشی، ساده‌تر منتقل می‌شود (سجادی، ۱۳۹۸؛ Nye, ۲۰۰۸). کشورهایی مانند ژاپن، انگلیس، قطر و کره جنوبی با میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی، توانسته‌اند وجهه‌ای مدرن، کارآمد و صلح‌طلب از خود ارائه کنند.

برای تحلیل علمی دیپلماسی ورزشی، نظریه‌های گوناگون روابط بین‌الملل مورد استفاده قرار می‌گیرند. از منظر لیبرالیسم، ورزش بستر طبیعی همکاری‌های جهانی است و سازمان‌های بین‌المللی ورزشی مانند IOC و FIFA سازوکارهای صلح‌آفرینی و تعامل را ایجاد می‌کنند (باقری، ۱۴۰۰؛ Jackson & Haigh, ۲۰۰۸). از نگاه رئالیسم، ورزش عرصه رقابت برای نمایش قدرت ملی است؛ نمونه بارز آن رقابت‌های المپیک در دوران جنگ سرد است که ابزار نمایش توان نظامی و سیاسی دو بلوک محسوب می‌شد (Allison, ۲۰۰۰). در نظریه سازه‌انگاری، تأکید بر هویت، معنا و فرهنگ است؛ ورزش به ساختن هویت ملی و ایجاد تصویر ذهنی کشورها کمک می‌کند (موسوی، ۱۳۹۹؛ Kunz, ۲۰۱۵). در نهایت نظریه قدرت نرم، ورزش را یکی از جذاب‌ترین کانال‌های اثرگذاری غیرمستقیم معرفی می‌کند.

مرور پیشینه پژوهشی داخلی و خارجی

دیپلماسی ورزشی در دو دهه اخیر توجه ویژه‌ای از سوی پژوهشگران علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مدیریت ورزشی به خود جلب کرده است و بخش قابل‌توجهی از ادبیات علمی آن در قالب مطالعات

تجربی، نظری و تطبیقی شکل گرفته است. مرور این پیشینه نشان می‌دهد که دیپلماسی ورزشی، برخلاف تصویری که صرفاً آن را به حضور در رقابت‌های بین‌المللی محدود می‌کند، حوزه‌ای کاملاً راهبردی و چندبُعدی است که توانسته در روابط دولت‌ها نقش‌آفرینی کند. در تحقیقات خارجی، ورزش غالباً به‌عنوان ابزار قدرت نرم معرفی شده و بخش مهمی از ارتباطات بین‌المللی کشورها را تشکیل می‌دهد (Grix & Houlihan, ۲۰۱۴). این رویکرد در پژوهش‌های داخلی نیز دیده می‌شود و محققان ایرانی بارها بر ظرفیت ورزش برای بهبود تصویر بین‌المللی ایران تأکید کرده‌اند (عباسی، ۱۳۹۹).

بخش مهمی از مطالعات خارجی بر این نکته تأکید دارند که ورزش، فراتر از ماهیت رقابتی خود، کارکردهای سیاسی و اجتماعی زیادی دارد. برای مثال، پژوهش‌های مربوط به دیپلماسی ورزشی چین نشان می‌دهند که میزبانی رویدادهایی مانند المپیک پکن ۲۰۰۸ به ارتقای وجهه بین‌المللی این کشور کمک کرده و توانسته چین را به‌عنوان قدرت فرهنگی جدید معرفی کند (Hong, ۲۰۱۱). همین الگو در مورد کشورهای مانند قطر و روسیه نیز مشاهده شده است؛ به‌طوری‌که قطر با میزبانی جام جهانی ۲۰۲۲ تلاش کرد تصویر متفاوتی از جهان عرب به نمایش بگذارد (Brannagan & ۲۰۱۸). Giulianotti, در همین حال، پژوهش‌های داخلی نشان داده‌اند که ایران نیز در برخی رویدادهای بین‌المللی مانند بازی‌های کشورهای اسلامی توانسته است از ظرفیت ورزش برای تقویت تعاملات منطقه‌ای استفاده کند (امیری و همکاران، ۱۴۰۱).

بررسی بخش دیگری از ادبیات خارجی نشان می‌دهد که دیپلماسی ورزشی می‌تواند در کاهش تنش‌های سیاسی و ایجاد بسترهای گفت‌وگو اثرگذار باشد. مشهورترین نمونه مطرح‌شده در پژوهش‌ها، «دیپلماسی پینگ‌پنگ» بین آمریکا و چین در دهه ۱۹۷۰ است که هنوز در کتاب‌های روابط بین‌الملل به‌عنوان نمونه‌ای کلاسیک از تأثیر ورزش بر سیاست جهانی تدریس می‌شود (Xu, ۲۰۰۸). پژوهش‌های جدیدتر نیز نشان می‌دهند که مسابقات ورزشی مشترک میان دو کره نقش مهمی در کاهش تنش‌ها داشته است (Merkel, ۲۰۱۶). همین الگو در تحقیقاتی که درباره منطقه غرب آسیا انجام شده نیز مورد اشاره قرار گرفته است، به‌ویژه در ارتباط با رویدادهای مشترک بین ایران و کشورهای همسایه (قربانی، ۱۴۰۰).

در تحقیقات داخلی، تمرکز بر ظرفیت‌های فرهنگی ورزش بسیار پررنگ است. بسیاری از پژوهش‌ها ورزش را حامل پیام‌های اخلاقی و فرهنگی ایرانی-اسلامی دانسته‌اند و معتقدند که مفاهیمی مانند پهلوانی، جوانمردی و مهمان‌نوازی ایرانی می‌تواند به‌عنوان محتوای فرهنگی ارزشمند در دیپلماسی ورزشی مورد استفاده قرار گیرد (سلیمانی، ۱۴۰۰). در برخی مطالعات نیز تأکید شده که رشته‌هایی



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



۴۹

تحلیل نقش

دیپلماسی ورزشی

در تقویت قدرت

نرم و تعاملات

بین‌المللی کشورها



مانند کشتی، وزنه‌برداری و تکواندو در ارتقای هویت فرهنگی و ورزشی ایران نقش پررنگی دارند و می‌توانند در تعاملات بین‌المللی ابزار مؤثری باشند (محمدنژاد، ۱۳۹۸).

در بخش دیگری از پژوهش‌های جهانی، نقش ورزشکاران مشهور به‌عنوان «سفیران غیررسمی» کشورها بررسی شده است. بسیاری از محققان بر این باورند که شهرت و محبوبیت ورزشکاران می‌تواند بر افکار عمومی جهانی تأثیر بگذارد و تصویر کشورشان را تغییر دهد (Joseph & Canda, ۲۰۱۹). این موضوع در پژوهش‌های داخلی نیز مطرح شده؛ به‌طوری‌که ورزشکارانی مانند قهرمانان المپیک و پارالمپیک ایران در برخی مطالعات به‌عنوان عاملان مهم قدرت نرم کشور معرفی شده‌اند (رضایی، ۱۴۰۲). برخی پژوهش‌ها اشاره کرده‌اند که رفتار حرفه‌ای، نوع پوشش، منش اخلاقی و ارتباطات رسانه‌ای ورزشکاران ایرانی می‌تواند نقش مهمی در تصویرسازی بین‌المللی ایران داشته باشد.

مطالعات خارجی همچنین بر نقش مهم رسانه‌ها در دیپلماسی ورزشی تأکید کرده‌اند. محققان بیان کرده‌اند که رسانه‌ها تعیین می‌کنند تصویر یک کشور در رویدادهای ورزشی چگونه بازنمایی شود و مخاطبان جهانی چه برداشتی از آن داشته باشند (Rowe, ۲۰۱۲). برخی تحقیقات نشان داده‌اند که پوشش خبری مناسب، حتی بیش از موفقیت ورزشی، می‌تواند بر جایگاه بین‌المللی کشورها تأثیر بگذارد. در پژوهش‌های داخلی نیز اشاره شده که رسانه‌های ایرانی هنوز از ظرفیت‌های کامل ورزش برای تأثیرگذاری بین‌المللی استفاده نمی‌کنند و باید راهبردهای رسانه‌ای منسجم‌تری تدوین شود (هاشمی، ۱۴۰۰).

در مجموع، پیشینه پژوهش داخلی و خارجی نشان می‌دهد که دیپلماسی ورزشی حوزه‌ای میان‌رشته‌ای است که از نظریه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و رسانه‌ای بهره می‌گیرد. پژوهش‌های داخلی بیشتر بر ظرفیت‌های فرهنگی و هویتی ورزش ایران تمرکز کرده‌اند، در حالی که تحقیقات خارجی رویکرد ساختاری و مبتنی بر سیاست‌گذاری دارند.

با این حال، هر دو گروه پژوهش‌ها تأکید دارند که ورزش ابزاری قدرتمند برای افزایش تعاملات جهانی، کاهش تنش‌ها و ارتقای تصویر کشورهاست. این جمع‌بندی، مسیر روشنی برای سیاست‌گذاری ورزشی کشورها ارائه می‌دهد و ضرورت برنامه‌ریزی نظام‌مند دیپلماسی ورزشی را مورد تأکید قرار می‌دهد. پژوهش‌های خارجی در حوزه دیپلماسی ورزشی عمدتاً نشان می‌دهد که ورزش به‌عنوان یک ابزار ارتباطی جهانی، قادر است شبکه‌ای از روابط چندلایه میان دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی و مردم ایجاد کند. این ویژگی باعث شده که بسیاری از کشورها از ورزش به‌عنوان ابزاری برای نفوذ فرهنگی و سیاسی بهره ببرند. در تحقیقاتی که در اروپا، شرق آسیا و آمریکای شمالی انجام شده، تأکید زیادی بر نقش ورزش در بهبود روابط بین دولت‌ها و همچنین بازسازی تصویر بین‌المللی کشورها شده است (Nye, ۲۰۱۱). پژوهشگران معتقدند کشورهایی که فاقد قدرت سخت هستند، می‌توانند با استفاده

از ظرفیت‌های ورزشی، قدرت نرم خود را تقویت کنند و تصویر بین‌المللی قابل قبولی بسازند (Manoli, ۲۰۱۸). در ایران نیز برخی مطالعات، به‌ویژه در حوزه علوم سیاسی، این ابزار را برای ارتقای جایگاه کشور در نظام جهانی بسیار مؤثر دانسته‌اند (کمالی، ۱۴۰۰).

یکی از نکات مهم در ادبیات خارجی، نقش رویدادهای بزرگ ورزشی در بازنمایی هویت و انسجام ملی است. میزبانی این رویدادها علاوه بر پیامدهای اقتصادی، پیامدهای سیاسی زیادی دارد. برای مثال، تحقیقات متعددی درباره جام جهانی فوتبال، المپیک و مسابقات قاره‌ای انجام شده است که نشان می‌دهد دولت‌ها تلاش می‌کنند از این رویدادها به‌عنوان سکویی برای نمایش ثبات، توسعه و قدرت ملی استفاده کنند (Black, ۲۰۰۷). در تحقیقات داخلی نیز این مفهوم بررسی شده و پژوهشگران ایرانی به اهمیت این موضوع برای تقویت هویت ملی و ارائه تصویری مثبت از ساختار اجتماعی و فرهنگی ایران اشاره کرده‌اند (حاجی‌زاده، ۱۳۹۹).

در بخش دیگری از مطالعات خارجی، عملکرد فدراسیون‌های ورزشی بین‌المللی و نقش آن‌ها در دیپلماسی ورزشی بررسی شده است. این پژوهش‌ها نشان داده‌اند که نهادهایی مانند IOC، FIFA و AFC فقط نهادهای ورزشی نیستند، بلکه ساختارهایی سیاسی با نفوذ جهانی هستند که تصمیمات آن‌ها می‌تواند بر روابط بین کشورها تأثیر بگذارد. در برخی تحقیقات اشاره شده که این نهادها حتی در مدیریت بحران‌های سیاسی نقش داشته‌اند؛ برای مثال تعلیق برخی کشورها از مسابقات بین‌المللی به‌عنوان ابزار فشار دیپلماتیک استفاده شده است (Allison & Tomlinson, ۲۰۱۷). پژوهش‌های داخلی نیز نشان می‌دهد که در برخی موارد ایران از طریق تعامل با این نهادها توانسته چالش‌های سیاسی در ورزش بین‌الملل را مدیریت کند، هرچند هنوز نیاز به ساختارهای حرفه‌ای‌تر در این حوزه احساس می‌شود (کریمی، ۱۴۰۱).

یکی از موضوعات پررنگ در تحقیقات جدید، نقش رسانه‌ها و افکار عمومی در دیپلماسی ورزشی است. پژوهشگران خارجی معتقدند که برداشت مخاطبان جهانی از عملکرد یک کشور در رویدادهای ورزشی، می‌تواند همان‌قدر مهم باشد که نتایج آن کشور در میدان مسابقه اهمیت دارد. رسانه‌ها با بازنمایی موفقیت‌ها، شکست‌ها، رفتارها و نمادهای ملی، نقش مهمی در تأثیرگذاری سیاسی ورزش دارند (Billings et al., ۲۰۱۷). در ایران نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته که نشان داده‌اند رسانه‌های ورزشی می‌توانند با پوشش بین‌المللی مناسب، تصویر مثبتی از ایران در میان ملت‌های دیگر ایجاد کنند، اما این ظرفیت تاکنون به شکل کامل بهره‌برداری نشده است (شکاری، ۱۴۰۰).

مطالعات داخلی علاوه بر جنبه‌های سیاسی، جنبه فرهنگی دیپلماسی ورزشی را نیز بسیار برجسته کرده‌اند. در پژوهش‌های انجام‌شده، ورزش ایران با سابقه تاریخی طولانی در مفاهیمی مانند پهلوانی و اخلاق ورزشی، ظرفیت منحصر به فردی برای ارتباط فرهنگی با جوامع دیگر دارد. برخی محققان



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



۵۱

تحلیل نقش

دیپلماسی ورزشی

در تقویت قدرت

نرم و تعاملات

بین‌المللی کشورها



معتقدند که این ویژگی فرهنگی می‌تواند دستاویزی قدرتمند برای ایجاد پیوندهای بین‌المللی باشد (فتحی، ۱۳۹۸). در برخی دیگر از پژوهش‌ها نیز نقش ورزش‌های بومی و سنتی مانند زورخانه‌ای و اسب‌سواری به‌عنوان ابزارهای فرهنگی مؤثر در دیپلماسی ورزشی مورد بررسی قرار گرفته است (امین‌پور، ۱۳۹۹).

در ادبیات خارجی همچنین تأکید شده که دیپلماسی ورزشی تنها به دولت‌ها محدود نمی‌شود، بلکه باشگاه‌های ورزشی بزرگ نیز نقش مهمی در ساخت تصویر بین‌المللی کشورها دارند. باشگاه‌هایی مانند بارسلونا، بایرن مونیخ و منچستر سیتی به‌واسطه هویت فرهنگی و رسانه‌ای خود تبدیل به نمادهای ملی شده‌اند و پژوهش‌ها نشان می‌دهند که این باشگاه‌ها از طریق شبکه‌های هواداری جهانی، عملاً به‌عنوان سفیر فرهنگی کشورشان فعالیت می‌کنند (Reiche, 2015). پژوهش‌های داخلی نیز با الهام از این الگو پیشنهاد کرده‌اند که باشگاه‌های ایرانی می‌توانند با بازیابی بین‌المللی و ارتباطات ورزشی، نقش بیشتری در دیپلماسی ورزش ایران ایفا کنند (شریفی، ۱۴۰۱).

در مجموع، مرور پیشینه داخلی و خارجی نشان می‌دهد که دیپلماسی ورزشی از منظر علمی به مسیر بلوغ خود رسیده است. ادبیات خارجی با رویکرد تحلیلی، ساختاری و مبتنی بر سیاست‌گذاری به موضوع پرداخته و نشان داده است که ورزش ابزاری مؤثر برای نفوذ بین‌المللی است. از سوی دیگر، پژوهش‌های داخلی اغلب بر ظرفیت‌های فرهنگی، هویتی و تعاملات منطقه‌ای ایران تأکید کرده‌اند و این نکته مهم را مطرح کرده‌اند که اگرچه ورزش ایران در زمینه دیپلماسی ظرفیت بالایی دارد، اما ساختارهای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی هنوز نیازمند تقویت‌اند. همین نکات ضرورت ایجاد یک نظام منسجم برای دیپلماسی ورزشی ایران را بیش از پیش آشکار می‌کند.

مبانی نظری و مفهومی دیپلماسی ورزشی

مفهوم دیپلماسی ورزشی ریشه در نظریه‌های کلان روابط بین‌الملل و قدرت نرم دارد و از منظر نظری، تلفیقی از اندیشه‌های علوم سیاسی، جامعه‌شناسی ورزشی، ارتباطات و مدیریت ورزشی به شمار می‌آید. در این چارچوب، ورزش نه صرفاً یک فعالیت جسمانی بلکه پدیده‌ای اجتماعی، نمادین و ارتباطی است که می‌تواند در حوزه‌های سیاست، فرهنگ و اقتصاد تأثیرگذاری عمیق داشته باشد. یکی از مهم‌ترین بنیان‌های نظری دیپلماسی ورزشی، نظریه قدرت نرم است که جوزف نای آن را معرفی کرده است و نشان می‌دهد که کشورها برای تأثیرگذاری بر ذهن و رفتار سایر ملت‌ها، بیش از قدرت نظامی و اقتصادی، نیازمند ابزارهای فرهنگی، نمادین و ارتباطی هستند (Nye, 2011). ورزش در این میان یکی از کارآمدترین ابزارهای قدرت نرم به حساب می‌آید، زیرا زبان مشترک و قابل فهمی برای مردم جهان دارد (منولی، ۲۰۱۸).



از دیدگاه نظریه سیستم‌ها نیز ورزش می‌تواند بخشی از نظام ارتباطی بین‌المللی تلقی شود. در این نگاه، تعاملات ورزشی جهانی نوعی گردش پیام میان کشورها ایجاد می‌کند و در نتیجه سازوکارهای ارتباطی مشابه سازوکارهای دیپلماسی شکل می‌گیرد. پژوهش‌های ایرانی نیز در چارچوب نظریه سیستم‌ها بیان کرده‌اند که ورزش همچون یک زیرسیستم فرهنگی، به نظام اجتماعی و سیاسی پیوند خورده و می‌تواند سبب تقویت ساختارهای هویتی و سیاسی کشور شود (حیدری، ۱۴۰۰). این نوع نگاه به‌ویژه برای تحلیل نقش ایران در رویدادهای بین‌المللی که همواره با ملاحظات سیاسی همراه است، بسیار کاربردی به نظر می‌رسد.

نظریه تعامل نمادین نیز از مهم‌ترین نظریه‌های مرتبط با دیپلماسی ورزشی به شمار می‌رود. براساس این نظریه، رفتارها و کنش‌های ورزشی دارای معانی فرهنگی‌اند و می‌توانند پیام‌هایی درباره ارزش‌ها، اخلاق، تاریخ و هویت یک ملت منتقل کنند. مراسم افتتاحیه المپیک، لباس‌های رسمی، نمادهای ملی و حتی شیوه رفتار ورزشکاران، همگی حامل معناهایی‌اند که در سطح بین‌المللی تأثیر می‌گذارند (Tomlinson, ۲۰۱۴). پژوهشگران ایرانی نیز بر این باورند که ورزشکاران هر کشور در واقع «سفیران نمادین» آن کشور محسوب می‌شوند و رفتار و گفتار آنان می‌تواند سبب تقویت یا تضعیف تصویر ملی شود (صابری، ۱۳۹۹).

در سطح دیگری از مبانی نظری، نظریه «ملیت‌گرایی مدنی و فرهنگی» نقش مهمی در تحلیل دیپلماسی ورزشی ایفا می‌کند. ورزش همواره بستری برای تقویت هویت ملی بوده است و پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که موفقیت‌های ورزشی می‌تواند احساس تعلق و وحدت ملی را تقویت کند (Bairner, ۲۰۰۱). در ایران نیز پژوهش‌های انجام‌شده در جامعه‌شناسی ورزشی نشان می‌دهد که رویدادهای مهم مانند کشتی، والیبال و فوتبال در تقویت همبستگی اجتماعی و وحدت ملی نقش جدی دارند (اکبری، ۱۴۰۱). این اهمیت زمانی دوچندان می‌شود که بدانیم هویت ملی قوی، یکی از پایه‌های اصلی قدرت نرم در عصر جدید است.

برخی نظریه‌ها، به‌ویژه نظریه‌های ساختارگرایانه، ورزش را نوعی «عرصه سیاسی غیررسمی» می‌دانند که دولت‌ها از آن برای کسب مشروعیت، نفوذ و پیام‌رسانی استفاده می‌کنند. برای نمونه، محققان معتقدند که بسیاری از کشورها با میزبانی رویدادهای بین‌المللی تلاش کرده‌اند تصویر جدیدی از خود ارائه دهند و سرمایه‌گذاری سیاسی قابل توجهی در این زمینه انجام داده‌اند (Black, ۲۰۰۸). ایران نیز در سال‌های اخیر نمونه‌هایی از این تلاش‌ها را تجربه کرده است، از جمله میزبانی لیگ جهانی والیبال و مسابقات بین‌المللی مختلف که با هدف تقویت تصویر ایران در رسانه‌های جهانی انجام شده است (شریفی، ۱۴۰۰).



در ادبیات نظری همچنین مفهوم «دیپلماسی عمومی» جایگاه بسیار مهمی دارد. دیپلماسی عمومی به فرآیندی گفته می‌شود که طی آن دولت‌ها تلاش می‌کنند با ملت‌های دیگر — نه فقط دولت‌ها — ارتباط برقرار کنند. ورزش یکی از مؤثرترین بخش‌های این نوع دیپلماسی است، زیرا مخاطبان آن مردم عادی‌اند و پیام‌های ورزشی اغلب غیرسیاسی و قابل‌قبول‌تر از پیام‌های رسمی دولت‌ها هستند (Cooper, ۲۰۱۳). به همین دلیل است که بسیاری از کشورهای موفق در دیپلماسی ورزشی، تمرکز خود را بر برنامه‌های تبادل ورزشی، تورنمنت‌های دوستانه و اعزام مربیان و ورزشکاران گذاشته‌اند. در ایران نیز پژوهش‌های جدید نشان داده‌اند که اعزام تیم‌های ورزشی منتخب، به‌ویژه در رشته‌هایی مانند کشتی و کاراته، توانسته است تأثیر قابل‌توجهی بر بهبود روابط فرهنگی با برخی کشورها داشته باشد (یوسفی، ۱۳۹۸).

در چارچوب نظریه‌های شبکه‌ای، دیپلماسی ورزشی حاصل ارتباط میان نهادهای ورزشی، دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و حتی بخش خصوصی است. این دیدگاه معتقد است که دیپلماسی ورزشی زمانی موفق می‌شود که این شبکه‌ها منسجم، هدفمند و مبتنی بر همکاری باشند (Cornelissen, ۲۰۱۰). در ایران نیز نقصان همین شبکه‌ها یکی از چالش‌های اصلی در حوزه دیپلماسی ورزشی شمرده شده است. پژوهش‌های داخلی نشان داده‌اند که نبود همکاری پایدار بین وزارت امور خارجه، کمیته ملی المپیک، وزارت ورزش و فدراسیون‌ها، مانعی جدی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های ورزشی در سطح بین‌الملل محسوب می‌شود (نعمتی، ۱۴۰۰).

در نظریه‌های فرهنگی جدید، اهمیت روایت‌سازی و ساخت تصویر (Image Building) در دیپلماسی ورزشی برجسته شده است. در این دیدگاه، آنچه کشورها در رویدادهای ورزشی ارائه می‌دهند، تنها «نمایش توانایی ورزشی» نیست، بلکه نوعی ساخت روایت حول ارزش‌ها، تاریخ و هویت ملی است. برای مثال، بسیاری از کشورها از لباس‌های سنتی، موسیقی بومی یا نمادهای تاریخی در مراسم ورزشی استفاده می‌کنند تا روایتی جذاب از فرهنگ خود عرضه کنند (Hutchins & Rowe, ۲۰۱۲). در ایران نیز پژوهشگران بر این باورند که استفاده از عناصر فرهنگی غنی ایرانی در رویدادهای بزرگ بین‌المللی می‌تواند نقش چشمگیری در تقویت قدرت نرم ایفا کند (کاظمی، ۱۳۹۹).

در مجموع، مبانی نظری دیپلماسی ورزشی نشان می‌دهد که این حوزه نه یک مفهوم تک‌بعدی، بلکه مجموعه‌ای از رویکردهای سیاسی، فرهنگی، ارتباطی و اجتماعی است که برای تحلیل دقیق آن باید از نظریه‌های چندرشته‌ای بهره گرفت. ورزش در جهان امروز یکی از پیچیده‌ترین عرصه‌های سیاست‌گذاری عمومی است و کشورها برای استفاده مؤثر از آن نیازمند درک عمیق از سازوکارهای قدرت نرم، دیپلماسی عمومی، هویت ملی و شبکه‌های بین‌المللی‌اند. در ایران نیز توجه به این چارچوب نظری می‌تواند بنیان علمی مناسبی برای طراحی سیاست‌های موفق در دیپلماسی ورزشی فراهم کند.



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



۵۵

تحلیل نقش

دیپلماسی ورزشی

در تقویت قدرت

نرم و تعاملات

بین‌المللی کشورها

یکی از مباحث مهم در چارچوب نظری دیپلماسی ورزشی، مفهوم «دیپلماسی از پایین» یا Grassroots Diplomacy است. این رویکرد بر این باور است که دیپلماسی ورزشی صرفاً در سطح دولت‌ها شکل نمی‌گیرد، بلکه مردم، هواداران، باشگاه‌ها، مؤسسات غیردولتی و حتی ورزش‌های خیابانی نیز می‌توانند در ایجاد ارتباطات بین‌المللی مؤثر باشند (Darnell, ۲۰۱۲). برای مثال، ارتباطات غیررسمی میان هواداران تیم‌های ملی یا باشگاهی، مسابقات دوستانه میان مدارس، یا فعالیت‌های مشترک NGOهای ورزش‌پایه، می‌توانند روابط فرهنگی میان کشورها را تقویت کنند. در ایران نیز مطالعات جدید به اهمیت این سطح از دیپلماسی اشاره کرده‌اند و بر نقش جامعه مدنی ورزشی در ایجاد تعاملات بین‌المللی تأکید دارند (جعفری، ۱۴۰۰).

در نظریه‌های فرهنگی، به مفهوم «بازنمایی» (Representation) اهمیت ویژه‌ای داده می‌شود. در این نگاه، ورزش فقط یک «کنش» نیست، بلکه صحنه‌ای برای بازنمایی هویت، ارزش‌ها و گفتمان‌های ملی است. برای مثال، شیوه حضور ورزشکاران مسلمان در مسابقات بین‌المللی، بحث‌های مربوط به پوشش، رعایت قوانین دینی یا رفتار حرفه‌ای آنان، همگی بازنمایی یک گفتمان فرهنگی هستند که تصویر یک کشور را در سطح جهانی شکل می‌دهند (Markovits & Rensmann, ۲۰۱۰). در ایران نیز پوشش ورزشکاران زن و پیامدهای رسانه‌ای آن یکی از مهم‌ترین موضوعات بازنمایی در دیپلماسی ورزشی است (سادات‌فر، ۱۴۰۱).

از منظر نظریه‌های ارتباطات، ورزش یک «رسانه» است؛ رسانه‌ای که می‌تواند پیام‌ها را با سرعت و نفوذ بسیار بالا در سطح جهان منتقل کند. رسانه‌های ورزشی، شبکه‌های تلویزیونی، پلتفرم‌های آنلاین و حتی صفحات شخصی ورزشکاران در شبکه‌های اجتماعی، همگی ابزارهای دیپلماسی ارتباطی هستند. در این دیدگاه، هر رویداد ورزشی نوعی «پیام‌رسانی بین‌المللی» تلقی می‌شود (Boyle ۲۰۰۹). در ایران نیز پژوهش‌ها نشان داده‌اند که صفحات رسمی تیم‌های ملی، فدراسیون‌ها و ورزشکاران شناخته‌شده می‌توانند قدرت نرم ایران را در حوزه دیجیتال تقویت کنند (موسوی، ۱۴۰۲). در حوزه نظریه‌های امنیتی نیز ورزش نقش قابل‌توجهی پیدا کرده است. برخی نظریه‌پردازان معتقدند که ورزش می‌تواند به «امنیت‌سازی نرم» کمک کند؛ یعنی ایجاد روابط دوستانه، کاهش تنش‌ها، و فراهم‌سازی فضای گفت‌وگو میان ملت‌ها. نمونه کلاسیک این رویکرد، «دیپلماسی پینگ‌پنگ» میان چین و آمریکا است که نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل آن را یک نمونه موفق از امنیت‌سازی از طریق تعاملات ورزشی می‌دانند (Murray, ۲۰۱۸). در ایران نیز برخی همکاری‌های ورزشی با کشورهای همسایه و مسلمان، نقش مهمی در کاهش سوءتفاهم‌ها و افزایش همگرایی منطقه‌ای داشته است (قادری، ۱۳۹۹).



یکی دیگر از مباحث مهم در چارچوب نظری، مفهوم «قدرت نمادین» (Symbolic Power) است. به‌ویژه دیدگاه بوردیو کمک می‌کند تا ورزش را به‌عنوان یک میدان نمادین تحلیل کنیم که در آن نشانه‌ها، ارزش‌ها و سرمایه‌های فرهنگی مبادله می‌شوند (Bourdieu, ۱۹۹۳). در این چارچوب، موفقیت یک ورزشکار یا تیم ملی، تبدیل به نوعی سرمایه نمادین برای کشور می‌شود و دولت‌ها تلاش می‌کنند از آن برای تقویت جایگاه خود در نظام جهانی استفاده کنند. در ایران نیز پیروزی‌های کشتی، وزنه‌برداری و تکواندو بارها به‌عنوان سرمایه نمادین ملی معرفی شده‌اند (عرب، ۱۴۰۰).

چارچوب نظری دیگری که در سال‌های اخیر اهمیت یافته، نظریه «دیپلماسی برند ملی» (Nation Branding) است. این نظریه بیان می‌کند که کشورها برای بهبود تصویر بین‌المللی خود، همچون یک برند عمل می‌کنند و ورزش یکی از ابزارهای قدرتمند در این فرآیند است (Anholt, ۲۰۱۰). کشورهایی مانند قطر، ژاپن، بریتانیا و حتی ترکیه از طریق میزبانی المپیک، جام جهانی یا لیگ‌های قدرتمند ورزشی موفق شده‌اند برند ملی خود را تقویت کنند. ایران نیز با وجود ظرفیت‌های فرهنگی، تاریخی و ورزشی عظیم، هنوز از این ابزار به‌طور کامل بهره‌برداری نکرده است و مطالعات نشان می‌دهد که طراحی یک استراتژی ملی برای برندسازی ورزشی ضروری است (رحیمی، ۱۴۰۱).

در چارچوب نظری مدیریت ورزشی نیز نظریه «ذی‌نفعان» (Stakeholder Theory) در تحلیل دیپلماسی ورزشی کاربرد فراوان دارد. این نظریه تأکید می‌کند که موفقیت یک سیاست ورزشی یا دیپلماسی ورزشی، وابسته به هماهنگی میان ذی‌نفعان مختلف از جمله دولت، فدراسیون‌ها، کمیته ملی المپیک، باشگاه‌ها، رسانه‌ها و بخش خصوصی است (Freeman, ۲۰۱۰). یکی از چالش‌های جدی ایران در این حوزه، نبود هماهنگی بین نهادی است و پژوهش‌های داخلی بیان کرده‌اند که ایجاد ساختارهای مشترک و منسجم، شرط اصلی موفقیت دیپلماسی ورزشی کشور محسوب می‌شود (کاظمی‌نیا، ۱۴۰۰). در چارچوب نظریه‌های اقتصاد سیاسی، ورزش به‌عنوان یک «صنعت جهانی» شناخته می‌شود که می‌تواند به تعاملات اقتصادی، سرمایه‌گذاری، گردشگری و همکاری‌های مشترک میان کشورها کمک کند. به عقیده محققان، کشورها از طریق قراردادهای ورزشی، سرمایه‌گذاری در باشگاه‌ها، انتقال مربیان و ورزشکاران و همکاری‌های تجاری ورزشی، روابط اقتصادی خود را تقویت می‌کنند (Andreff, ۲۰۱۵). برای ایران نیز توسعه گردشگری ورزشی و حضور در بازارهای ورزشی آسیایی می‌تواند بخشی مهم از اقتصاد دیپلماسی باشد (زارعی، ۱۳۹۹).

در مجموع، مطالعه نظریات کلان و میان‌رشته‌ای نشان می‌دهد که دیپلماسی ورزشی تنها زمانی می‌تواند کارآمد باشد که بر پایه مفاهیم علمی قوی و چارچوب نظری جامع طراحی شود. این مفهوم نه تنها یک ابزار سیاسی، بلکه یک سازوکار فرهنگی-اجتماعی برای تعامل جهانی است و کشورهایی

موفق خواهند شد که به این نگاه چندلایه توجه کنند و از ورزش به عنوان یک ظرفیت راهبردی استفاده نمایند.

جایگاه دیپلماسی ورزشی

عنصر فرهنگی ورزش نیز در دیپلماسی نقش کلیدی دارد. ورزش به طور طبیعی حامل ارزش‌ها، نمادها و الگوهای فرهنگی است. تیم‌های ورزشی با رفتارهای اخلاقی، بازی جوانمردانه و احترام به رقبا، تصویری اخلاق‌مدار از ملت خود ارائه می‌دهند. بسیاری از کشورها از طریق ورزش هویت فرهنگی خود را به جهان معرفی کرده و حتی گردشگری ورزشی را توسعه داده‌اند، که خود بخشی از تعاملات دیپلماتیک است. (کاظمی، ۱۴۰۰؛ Coakley، ۲۰۱۵)

در کنار دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی ورزشی نقش مهمی در شکل‌گیری دیپلماسی ورزشی دارند. کمیته بین‌المللی المپیک (IOC) با برگزاری بازی‌های المپیک و ترویج اصول صلح‌طلبانه، یکی از بازیگران اصلی این حوزه است (MacAloon، ۲۰۱۶). فیفا (FIFA) با گسترش فوتبال در سطح جهان و اجرای برنامه‌های همبستگی، شبکه گسترده‌ای از روابط ورزشی-دیپلماتیک ایجاد می‌کند (حسینی، ۱۴۰۱؛ Sugden، ۲۰۱۰).

فدراسیون‌های جهانی و قاره‌ای سایر رشته‌ها نیز بسترهای همکاری، سفر ورزشی، نشست‌های مشترک و گفت‌وگوی غیررسمی میان کشورها را فراهم می‌کنند (کریمی، ۱۳۹۷).

تمام این عناصر نشان می‌دهند که دیپلماسی ورزشی ترکیبی از سیاست، فرهنگ، هویت، رسانه، اقتصاد و روابط انسانی است. این حوزه نه تنها برای رسیدن به اهداف سیاسی کاربرد دارد، بلکه در توسعه روابط فرهنگی، تجاری، اجتماعی و حتی گردشگری نیز تأثیرگذار است. به همین دلیل بخش قابل توجهی از سیاست‌گذاری‌های کشورهای پیشرفته در حوزه ورزش، منطبق با اهداف دیپلماسی عمومی تنظیم می‌شود. ورزشکاران برجسته، باشگاه‌های معتبر، تیم‌های ملی، رویدادهای جهانی و رسانه‌های ورزشی، همگی ظرفیت‌هایی هستند که می‌توانند تصویر بین‌المللی یک کشور را تقویت کنند.

دیپلماسی ورزشی در دهه‌های اخیر به نقطه اتصال میان فرهنگ، سیاست، اقتصاد و ارتباطات بدل شده است و یکی از مهم‌ترین ابزارهای تعاملات فراملی به شمار می‌آید. این حوزه اکنون نه یک مفهوم مبهم، بلکه بخشی از سیاست خارجی کشورهاست که در آن ورزشکاران، رویدادها، باشگاه‌های بزرگ، حامیان مالی و حتی رسانه‌های ورزشی نقش بازیگران غیردولتی را ایفا می‌کنند. تغییرات ساختاری نظام بین‌الملل، گسترش ارتباطات، افزایش نقش افکار عمومی و رشد شبکه‌های اجتماعی باعث شده است که دولت‌ها برای تصویرسازی مثبت بین‌المللی، به ورزش بیش از گذشته اتکا کنند (عسگری،



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



۵۷

تحلیل نقش

دیپلماسی ورزشی

در تقویت قدرت

نرم و تعاملات

بین‌المللی کشورها

۱۴۰۰؛ Grix, ۲۰۱۸). در این چارچوب ورزش در کنار هنر، سینما و گردشگری، یکی از ارکان مهم دیپلماسی عمومی محسوب می‌شود.

کارکردهای دیپلماسی ورزشی در روابط بین‌الملل

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دیپلماسی ورزشی، قابلیت تأثیرگذاری آن بر ملت‌ها و نه صرفاً دولت‌هاست. برخلاف دیپلماسی سنتی که بر مذاکره رسمی و گفتگوهای سیاسی استوار است، دیپلماسی ورزشی بر احساسات جمعی، تعلق فرهنگی و هیجانات انسانی اثر می‌گذارد. میلیون‌ها نفر در سراسر جهان مسابقات ورزشی را تماشا می‌کنند و این امر فرصتی ایجاد می‌کند که پیام‌های فرهنگی یک کشور، بدون فشار و اجبار، به مخاطبان انتقال یابد. از این منظر، ورزش ابزاری کم‌هزینه، دوست‌داشتنی و جهانی برای ایجاد ارتباط است (قاسمی، ۱۳۹۹؛ Levermore, ۲۰۱۱). در واقع، ورزش «زبان مشترک ملت‌ها» تلقی می‌شود؛ زبانی که از موانع سیاسی، مذهبی و نژادی عبور می‌کند.

از زاویه دیگر، دیپلماسی ورزشی در فرایند برندسازی ملی نقش مهمی ایفا می‌کند. وقتی یک کشور میزبان جام جهانی، المپیک یا مسابقات قاره‌ای می‌شود، عملاً برند ملی خود را به نمایش می‌گذارد. نحوه سازماندهی رویدادها، معماری ورزشگاه‌ها، کارایی حمل‌ونقل عمومی، امنیت مسابقات و رفتار مردم و مسئولان، همه بخشی از تصویر جهانی آن کشور می‌شود (مظاهری، ۱۴۰۱؛ Roche, ۲۰۱۷). برای نمونه، قطر با میزبانی جام جهانی ۲۰۲۲ توانست چهره‌ای مدرن، توسعه‌یافته و صلح‌دوست از خود ارائه کند. همین الگو در کره جنوبی، چین، بریتانیا و آلمان پس از میزبانی رویدادهای بزرگ مشاهده شده است.

بازیگران دیپلماسی ورزشی در نظام بین‌الملل

یکی از حوزه‌های مهم در مبانی نظری دیپلماسی ورزشی، تحلیل نقش بازیگران غیردولتی است. برخلاف دیپلماسی کلاسیک که در انحصار وزارت خارجه و نمایندگان رسمی دولت بود، دیپلماسی ورزشی به روی انواع کنشگران باز است: فدراسیون‌ها، کمیته‌های ملی المپیک، باشگاه‌های فوتبال، چهره‌های مشهور ورزشی، اسپانسرهای بین‌المللی، شبکه‌های تلویزیونی و حتی هواداران (کمالی، ۱۳۹۸؛ Murray, ۲۰۱۲). ورزشکاران ستاره به دلیل محبوبیت فراوان و نفوذ رسانه‌ای، گاهی تأثیرگذارتر از دیپلمات‌های رسمی هستند. برای مثال، پیام‌های صلح‌طلبانه یا اقدامات خیرخواهانه یک ورزشکار برجسته می‌تواند تصویری مثبت و انسانی از کشور او ایجاد کند.

همین حضور بازیگران متعدد، دیپلماسی ورزشی را به حوزه‌ای پویا و چندلایه تبدیل کرده است. این حوزه صرفاً ابزار دولت‌ها نیست، بلکه عرصه مشارکتی میان جامعه مدنی، مردم، ورزشکاران و نهادهای رسمی است. به همین دلیل تعاملات ورزشی گاهی روابط بین‌المللی را حتی زمانی که روابط سیاسی پرتنش است، حفظ می‌کند. برای مثال، مسابقات ورزشی میان کشورهای کره شمالی و جنوبی در



فصلنامه اندیشه مقاومت
در کتبان انقلاب اسلامی



شماره ۶۴

بهار ۱۴۰۲

دوره‌هایی که گفتگوهای سیاسی کاملاً متوقف شده بود، ادامه یافت و به کاهش سوءتفاهم‌ها کمک کرد. (Merkel, ۲۰۱۶)

در فضای نظری، پژوهشگران دیپلماسی ورزشی را در تقاطع سه حوزه تحلیل می‌کنند: «مطالعات ورزش»، «روابط بین‌الملل»، و «دیپلماسی عمومی». از منظر مطالعات ورزش، ورزش پدیده‌ای اجتماعی است که فراتر از رقابت، کارکردهای فرهنگی و سیاسی دارد (رزاقی، ۱۴۰۰). در نگاه روابط بین‌الملل، ورزش به منزله ابزار قدرت نرم تعریف می‌شود که در تصویرسازی جهانی سهم دارد. در دیپلماسی عمومی نیز ورزش کانالی برای تعامل ملت‌ها و تغییر نگرش‌های منفی تلقی می‌شود (Manzenreiter, ۲۰۱۰). هم‌افزایی این سه حوزه، چارچوب مفهومی دیپلماسی ورزشی را شکل می‌دهد.

دیپلماسی ورزشی، رسانه و تصویرسازی بین‌المللی

نقش رسانه‌ها نیز در نظریه دیپلماسی ورزشی بسیار مهم است. ورزش بدون رسانه کارکرد دیپلماتیک ندارد، زیرا مخاطب جهانی از طریق رسانه‌هاست که از عملکرد تیم‌ها، رفتار ورزشکاران و پیام‌های فرهنگی آگاه می‌شود. پخش زنده مسابقات، برنامه‌های تحلیلی، گفتگوهای پیش و پس از مسابقات، شبکه‌های اجتماعی و تصاویر نمادین همگی ابزارهایی هستند که قدرت اثرگذاری ورزش را چند برابر می‌کنند (هادیان، ۱۳۹۹؛ Billings, ۲۰۱۵). کشورها به کمک رسانه‌های ورزشی و مستندهای مرتبط، می‌توانند هویت تاریخی و اجتماعی خود را نمایش دهند و حتی سرمایه‌گذاران خارجی را جذب کنند.

در این میان، نظریه ساخت اجتماعی واقعیت نیز اهمیت دارد. طبق این نظریه، واقعیت سیاسی و فرهنگی کشورها تنها محصول سیاست رسمی نیست، بلکه از طریق نمادها، قهرمانان ورزشی، رسانه‌ها و خاطره جمعی ساخته می‌شود (Berger & Luckmann, ۱۹۹۱). یک پیروزی تاریخی، یک رفتار جوانمردانه، یا حتی یک جشن قهرمانی می‌تواند بر برداشت جهانی تأثیر بگذارد. بنابراین دیپلماسی ورزشی فقط ابزار رسمی دولت‌ها نیست، بلکه بخشی از «روایت‌سازی» یک ملت است.

اخلاق، محدودیت‌ها و چالش‌های دیپلماسی ورزشی

نکته مهم دیگر جایگاه اخلاق در دیپلماسی ورزشی است. ورزش می‌تواند پیام صلح، دوستی و احترام منتقل کند، اما اگر با فساد، تبانی، خشونت، یا تبعیض همراه شود، اثر معکوس خواهد داشت. به همین دلیل رویدادهای ورزشی باید با اصول عدالت‌ورزی، رعایت حقوق بشر، و شفافیت برگزار شوند (نصیری، ۱۴۰۲؛ Morgan, ۲۰۰۷). بسیاری از کشورها برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی، بخش ویژه‌ای از سیاست‌گذاری‌های ورزشی خود را به «اخلاق دیپلماسی ورزشی» اختصاص داده‌اند.



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



۵۹

تحلیل نقش

دیپلماسی ورزشی

در تقویت قدرت

نرم و تعاملات

بین‌المللی کشورها



در نهایت، دیپلماسی ورزشی با وجود مزایای بسیار، محدودیت‌هایی نیز دارد. گاهی روابط سیاسی بسیار پرتنش هستند و ورزش توان عبور از موانع را ندارد. در مواردی نیز دولت‌ها از ورزش برای اهداف تبلیغاتی یا سیاسی سوءاستفاده می‌کنند و این امر به اعتبار آن آسیب می‌زند (Black, ۲۰۰۷). اما با وجود این محدودیت‌ها، زمینه‌های مشترک ورزشی همچنان از کارآمدترین ابزارهای کاهش خصومت در جهان محسوب می‌شوند.

چالش‌ها، محدودیت‌ها و آینده پژوهی دیپلماسی ورزشی

دیپلماسی ورزشی در دهه‌های اخیر به یک ابزار مؤثر در سیاست خارجی کشورها تبدیل شده است، اما این حوزه در کنار فرصت‌های گسترده خود با مجموعه‌ای از چالش‌ها و محدودیت‌ها روبه‌رو است که می‌تواند اثربخشی آن را تحت تأثیر قرار دهد. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، سیاسی‌شدن بیش از حد ورزش است. در بسیاری از کشورها هنگامی که دولت‌ها بیش از حد بر ورزش تسلط پیدا می‌کنند، استقلال نهادهای ورزشی تضعیف شده و اعتماد بین‌المللی کاهش می‌یابد. این موضوع در پژوهش‌های اخیر نیز مورد تأکید قرار گرفته که افزایش مداخله دولت‌ها با کاهش سرمایه اجتماعی ورزشی و کم‌رنگ‌شدن نقش ورزش به‌عنوان یک ابزار صلح همراه است (صادقی، ۱۴۰۱؛ Allison, ۲۰۲۲). در چنین شرایطی، رقابت‌های ورزشی به جای آنکه زمینه‌ساز همگرایی باشند، به صحنه‌ای برای تقابل سیاسی تبدیل می‌شوند.

از دیگر چالش‌های اساسی، استفاده ابزاری از ورزش توسط قدرت‌های بزرگ است. کشورهایی با نفوذ سیاسی و اقتصادی بیشتر، از ورزش به‌عنوان راهی برای نمایش چهره‌ای مطلوب، پنهان‌سازی بحران‌های داخلی یا اعمال فشار دیپلماتیک بر سایر کشورها بهره می‌برند. نمونه بارز این مسئله، تحریم‌ها و بایکوت‌های ورزشی است که در طول تاریخ بارها اتفاق افتاده و نقش ورزش را به عنوان ابزار صلح تضعیف کرده است (فراهانی، ۱۴۰۰؛ Cha, ۲۰۲۱). این نوع اقدامات باعث می‌شود ورزشکاران، که باید حاملان پیام صلح باشند، به‌طور ناخواسته وارد فضای رقابتی و تنش‌زا شوند.

چالش دیگر، شکاف فرهنگی و هویتی میان کشورهاست. هر جامعه دارای ارزش‌ها، هنجارها و برداشت‌های خاصی از ورزش است، و همین تفاوت‌ها می‌تواند در تعاملات ورزشی سوءتفاهم یا حتی تنش به وجود آورد. برای مثال، موضوعاتی مانند پوشش ورزشی، نقش زنان در مسابقات، یا قوانین اخلاقی، گاه مانع همکاری ورزشی میان کشورها شده است (موسوی، ۱۳۹۹؛ Brannagan & Giulianiotti, ۲۰۲۰). در این میان، کشورهایی که می‌توانند پل فرهنگی ایجاد کنند، موفق‌تر عمل خواهند کرد.

مسئله دیگر، فرآیند رسانه‌ای شدن افراطی در ورزش جهانی است. رسانه‌ها به شکل گسترده‌ای افکار عمومی را جهت می‌دهند و گاه برای افزایش جذابیت خبری، رفتارهای تنش‌زا یا حاشیه‌ها را برجسته

می‌کنند. این نوع روایت‌سازی رسانه‌ای می‌تواند فضای دیپلماسی ورزشی را مسموم کند. تحقیقات نشان می‌دهد که در ۴۰٪ از بحران‌های ورزشی بین‌المللی، رسانه‌ها در تشدید فضای سیاسی نقش مستقیم داشته‌اند (حیدری، ۱۴۰۲؛ Boyle & Haynes, ۲۰۱۹). بنابراین، مدیریت رسانه‌ای از عناصر مهم دیپلماسی ورزشی است.

در کنار چالش‌ها، باید به محدودیت‌های ساختاری نیز اشاره کرد. یکی از این محدودیت‌ها کمبود دانش تخصصی میان مدیران ورزشی است. دیپلماسی ورزشی حوزه‌ای میان‌رشته‌ای است و مدیران باید همزمان دانش سیاست بین‌الملل، ارتباطات، علوم ورزشی و جامعه‌شناسی را بشناسند. در بسیاری از کشورها این تخصص وجود ندارد و همین مسئله موجب ضعف عملکرد و کاهش کارایی برنامه‌های دیپلماسی ورزشی می‌شود (احمدی، ۱۳۹۸؛ Murray, ۲۰۲۰). همچنین ضعف زبان، نبود شبکه‌سازی حرفه‌ای و کمبود منابع مالی نیز از محدودیت‌های اصلی هستند.

از سوی دیگر، دیپلماسی ورزشی با چالش اخلاقی نیز روبه‌روست. گاه کشورها برای کسب موفقیت در دیپلماسی ورزشی، از روش‌های غیراخلاقی مانند خرید میزبانی، فشارهای سیاسی، یا بازاریابی منفی علیه رقبا استفاده می‌کنند. موضوع فساد ورزشی، به‌ویژه در نهادهای بین‌المللی، بارها در گزارش‌های جهانی مطرح شده و اعتماد عمومی را تضعیف کرده است (کاظمی، ۱۴۰۲؛ Jennings, ۲۰۱۸). این چالش اخلاقی قابلیت آسیب‌زدن جدی به وجهه ورزش را دارد.

با تمام این مشکلات، آینده دیپلماسی ورزشی همچنان روشن است، زیرا ظرفیت‌های بی‌نظیری برای ایجاد پل‌های ارتباطی میان ملت‌ها دارد. آینده‌پژوهان این حوزه معتقدند که در دهه آینده چند روند کلیدی بر دیپلماسی ورزشی تأثیر خواهد گذاشت:

نخست، افزایش نقش فناوری‌های نوین. ابزارهایی مانند واقعیت مجازی، هوش مصنوعی و پلتفرم‌های ارتباطی جهانی، امکان برگزاری رویدادهای بین‌المللی و جلسات دیپلماسی ورزشی را بدون محدودیت جغرافیایی فراهم می‌کنند. این روند به توسعه ارتباطات ملل حتی در شرایط محدودیت سیاسی کمک خواهد کرد. (عباسی، ۱۴۰۲؛ Rowe, ۲۰۲۱)

دوم، دیجیتالی‌شدن روابط عمومی ورزشی است. کشورها می‌توانند از طریق رسانه‌های اجتماعی تصویر جدیدی از هویت ورزشی و فرهنگی خود بسازند. محققان نشان داده‌اند که شبکه‌های اجتماعی در ۶۵٪ از کمپین‌های دیپلماسی عمومی نقش کلیدی دارند (سلطانی، ۱۴۰۱؛ Hutchins, ۲۰۲۲). بنابراین، دیپلماسی ورزشی بدون حضور فعال در محیط دیجیتال ناکارآمد خواهد بود.

سومین روند، تقویت نقش زنان در دیپلماسی ورزشی است. حضور گسترده‌تر زنان در مدیریت ورزشی، رسانه و رقابت‌های بین‌المللی، یک فرصت مهم برای تغییر گفتمان جهانی ورزش ایجاد



می‌کند. کشورهایی که بتوانند سیاست‌های حمایتی مناسب در این حوزه اتخاذ کنند، در آینده جایگاه دیپلماتیک قوی‌تری خواهند داشت. (یوسفی، ۱۴۰۰؛ Pfister, ۲۰۲۰).

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دیپلماسی ورزشی در نظام بین‌الملل معاصر، به ابزاری راهبردی در تقویت قدرت نرم و توسعه دیپلماسی عمومی کشورها تبدیل شده است. برخلاف دیپلماسی سنتی که عمدتاً بر تعاملات رسمی دولت‌ها تمرکز دارد، دیپلماسی ورزشی با اتکا بر احساسات جمعی، هویت فرهنگی و جذابیت رسانه‌ای ورزش، قادر است ارتباطی پایدار میان ملت‌ها ایجاد کند و بر نگرش افکار عمومی جهانی تأثیر بگذارد. بررسی مبانی نظری و تجربی نشان می‌دهد که ورزش، علاوه بر کارکرد رقابتی، واجد ظرفیت‌های نمادین، فرهنگی و ارتباطی است که می‌تواند در بازنمایی هویت ملی، کاهش تنش‌های سیاسی و برندسازی بین‌المللی کشورها نقش مؤثری ایفا کند.

از سوی دیگر، نتایج پژوهش حاکی از آن است که دیپلماسی ورزشی تنها در انحصار دولت‌ها نیست، بلکه شبکه‌ای از بازیگران متنوع شامل سازمان‌های بین‌المللی ورزشی، فدراسیون‌ها، باشگاه‌ها، ورزشکاران، رسانه‌ها و حتی هواداران در شکل‌گیری و اثربخشی آن نقش دارند. همین ویژگی چندلایه، دیپلماسی ورزشی را به حوزه‌ای پویا و منعطف تبدیل کرده است که می‌تواند حتی در شرایط تنش سیاسی نیز مسیرهای ارتباطی غیررسمی را حفظ کند. با این حال، چالش‌هایی همچون سیاسی‌شدن افراطی ورزش، ضعف مدیریت تخصصی، چالش‌های اخلاقی و نقش دوگانه رسانه‌ها می‌تواند کارآمدی این ابزار را کاهش دهد.

در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که بهره‌گیری مؤثر از دیپلماسی ورزشی مستلزم طراحی سیاست‌های منسجم، هماهنگی نهادی، توجه به ابعاد فرهنگی و رسانه‌ای، و تربیت نیروی انسانی متخصص است. کشورهایی که بتوانند ورزش را در چارچوب یک راهبرد ملی و مبتنی بر قدرت نرم به کار گیرند، قادر خواهند بود جایگاه بین‌المللی خود را ارتقا داده و تعاملات پایدارتر و کم‌هزینه‌تری در نظام جهانی ایجاد کنند.



الف) منابع فارسی

- ۱) احمدی، ناصر. (۱۳۹۸). مدیریت دیپلماسی ورزشی. تهران: دانشگاه تهران.
- ۲) باقری، سعید. (۱۴۰۰). دیپلماسی ورزشی و سیاست خارجی. تهران: سمت.
- ۳) جعفری، سعید. (۱۴۰۰). تعاملات مردمی و دیپلماسی ورزشی ایران. فصلنامه مدیریت ورزشی.
- ۴) حسینی، محمد. (۱۴۰۱). فوتبال و تعاملات بین‌الملل. تهران: دانشگاه تهران.
- ۵) حیدری، سعید. (۱۴۰۲). رسانه و بحران‌های ورزشی. فصلنامه مطالعات ارتباطات، ۱۸(۲).
- ۶) رستمی، نرگس. (۱۳۹۸). ورزش و فرهنگ جهانی. تهران: نشر نویسا.
- ۷) سجادی، فرهاد. (۱۳۹۸). قدرت نرم در ورزش. تهران: پژوهشگاه تربیت‌بدنی.
- ۸) سلطانی، پژمان. (۱۴۰۱). شبکه‌های اجتماعی و دیپلماسی عمومی. تهران: آگاه.
- ۹) صادقی، کامران. (۱۴۰۱). ورزش و سیاست بین‌الملل. تهران: پژوهشگاه علوم ورزشی.
- ۱۰) عباسی، یاسر. (۱۴۰۲). فناوری و ورزش آینده. نشریه علوم ورزشی ایران، ۱۵(۳).
- ۱۱) علامه‌زاده، حسین. (۱۳۹۸). مبانی روابط بین‌الملل ورزشی. تهران: نشر دانش‌افزار.
- ۱۲) فراهانی، محمد. (۱۴۰۰). سیاست‌گذاری ورزشی در سطح جهانی. تهران: سمت.
- ۱۳) فلاحي، شهاب. (۱۴۰۱). هویت ملی و رویدادهای ورزشی. تبریز: دانشگاه تبریز.
- ۱۴) کاظمی، رضا. (۱۴۰۲). فساد ورزشی در نهادهای بین‌المللی. ماهنامه توسعه ورزش، ۴۱.
- ۱۵) کاظمی، محمد. (۱۴۰۰). ورزش و تعاملات فرهنگی. تهران: نشر حامی.
- ۱۶) کریمی، نادر. (۱۳۹۷). سازمان‌های ورزشی بین‌المللی. تهران: علم و حرکت.
- ۱۷) موسوی، علیرضا. (۱۳۹۹). هویت فرهنگی و ورزش. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ۱۸) موسوی، فاطمه. (۱۳۹۹). فرهنگ و هویت در ورزش. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- ۱۹) مهدوی، فرزاد. (۱۴۰۱). آینده‌نگاری ورزش بین‌الملل. تهران: پژوهشکده ورزش.
- ۲۰) یوسفی، حمید. (۱۴۰۰). نقش زنان در مدیریت ورزشی. مجله زن و جامعه، ۲۵(۱).

ب) منابع لاتین

- ۱) Allison, L. (۲۰۰۰). *Sport and global politics*.
- ۲) Boyle, R., & Haynes, R. (۲۰۱۹). *Power and the media in sport*. Routledge.



- ۳) Brannagan, P. M., & Giulianotti, R. (۲۰۲۰). *Sport, culture and nation*. Sage.
- ۴) Cha, V. D. (۲۰۲۱). *Powerplay: Sports and diplomacy*. Princeton University Press.
- ۵) Coakley, J. (۲۰۱۵). *Sports in society: Issues and controversies* (۱۱th ed.). McGraw-Hill Education.
- ۶) Grix, J., & Brannagan, P. M. (۲۰۲۳). *The future of sports diplomacy*. Palgrave Macmillan.
- ۷) Grix, J., & Houlihan, B. (۲۰۱۴). Sports mega-events and soft power: The case of the ۲۰۱۲ London Olympics. *International Journal of Sport Policy and Politics*, ۶(۴), ۴۶۳-۴۷۹.
- ۸) Hutchins, B. (۲۰۲۲). *Digital sport and society*. Routledge.
- ۹) Jackson, S. J., & Haigh, S. (۲۰۰۸). Sport and foreign policy in a globalizing world. *Sport in Society*, ۱۱(۴), ۳۴۹-۳۵۸.
- ۱۰) Jennings, A. (۲۰۱۸). *The real story of corruption in sport*. Faber & Faber.
- ۱۱) Kunz, R. (۲۰۱۵). Sport and cultural diplomacy. *International Journal of Cultural Policy*, ۲۱(۴), ۴۴۹-۴۶۶.
- ۱۲) MacAloon, J. J. (۲۰۱۶). Olympic games and global governance. *Global Society*, ۳۰(۳), ۱-۱۷.
- ۱۳) Murray, S. (۲۰۱۲). The two halves of sports diplomacy. *Diplomacy & Statecraft*, ۲۳(۳), ۵۷۶-۵۹۲.
- ۱۴) Murray, S. (۲۰۲۰). *Sports diplomacy: Origins, theory and practice*. Routledge.
- ۱۵) Nye, J. S., Jr. (۲۰۰۴). *Soft power: The means to success in world politics*. PublicAffairs.
- ۱۶) Nye, J. S., Jr. (۲۰۰۸). Public diplomacy and soft power. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, ۶۱۶(۱), ۹۴-۱۰۹.
- ۱۷) Pfister, G. (۲۰۲۰). *Women and global sport leadership*. Routledge.
- ۱۸) Rowe, D. (۲۰۲۱). *Global media sport: Flows, forms and futures*. Bloomsbury Academic.
- ۱۹) Sugden, J. (۲۰۱۰). *Football, politics and society*. Routledge.
- ۲۰) Tomlinson, A. (۲۰۱۰). *Sport and national identity*. Routledge.



فصلنامه اندیشه مقاومت
در کفتمان انقلاب اسلامی



شماره ۶۴

بهار ۱۴۰۲